

توسعه همکاری‌های اقتصادی ایران و اتحادیه اروپا راهبردی بلندمدت است

اشاره:

گسترش مناسبات اقتصادی و بازرگانی با دنیای خارج از راهبردهای توسعه اقتصادی ایران در سومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۸۳-۱۳۷۹) است. توسعه مناسبات اقتصادی به ویژه با کشورهای پیشرفته صنعتی جهان از آن جهت که می‌تواند به رونق سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا و انتقال دانش فنی و فناوری به داخل مؤثر باشد، حایز اهمیت است. از سوی دیگر گسترش روابط بازرگانی خارجی می‌تواند در نفوذ کالاهای ایرانی به بازارهای هدف و رشد صادرات غیرنفتی مؤثر باشد.

یکی از بلوک‌های اقتصادی مهم جهان، اتحادیه اروپاست که گسترش مناسبات اقتصادی و بازرگانی با این اتحادیه از جنبه‌های سیاسی و اقتصادی برای ایران حایز اهمیت است. روابط ایران با اروپا سابقه‌ای بسیار طولانی دارد. از زمان صفویان که برادران شریلی در ارتش ایران فعال شدند و آموزش‌های نظامی با اسلحه را به سربازان ایرانی آموختند، و نیز فرش دستباف ایرانی به دربارهای اروپایی راه یافت، تاکنون این روابط با نوسان‌هایی تداوم داشته است.

بررسی مناسبات اقتصادی و بازرگانی ایران با اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که در مناسبات سیاسی اقتصادی ایران با دنیای خارج، اتحادیه اروپا تا چه حد اهمیت دارد و دستیابی به توافقنامه تجاری اقتصادی متقابل با این اتحادیه تا چه حد می‌تواند در توسعه اقتصادی و نقش‌آفرینی سیاسی ایران در منطقه و جهان حایز اهمیت باشد.

در این مقاله به روند مناسبات اقتصادی تجاری ایران با اتحادیه اروپا به ویژه در سال‌های اخیر می‌پردازیم.

با پیروزی انقلاب اسلامی و کم‌رنگ شدن نقش آمریکا در حرکت‌های اقتصادی ایران، روابط ایران و آمریکا به تیرگی گرایید، تا جایی که حکومت وقت آمریکا تحریم بین‌المللی علیه ایران را مطرح ساخت و جامعه جهانی به‌ویژه کشورهای پیشرفته عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) را به تحریم روابط اقتصادی با ایران فراخواند. اتحادیه اروپا که در آن زمان ۱۲ کشور اروپایی عضو آن بودند که در سازمان همکاری اقتصادی و توسعه نیز عضویت داشتند، بارها در معرض فشارهای آمریکا برای اعمال تحریم و قطع روابط سیاسی و اقتصادی با ایران قرار گرفتند. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد، خود شرایط اضطراری ویژه‌ای را در

برابر جمهوری اسلامی نوپای ایران قرار داد. در آن زمان از یک سو ایران با مسأله تحریم بین‌المللی دست به گریبان بود و از سوی دیگر تأمین نیازهای دفاع مقدس به ویژه تجهیزات نظامی برای پاسخگویی به حمله وحشیانه دشمن ضرورتی غیرقابل انکار بود. تجهیزات نظامی ایران تحت تأثیر روابط سیاسی - اقتصادی گسترده رژیم شاه با آمریکا، تا حد قابل توجهی از سلاح‌ها و هواپیماهای نظامی آمریکایی تشکیل شده بود که تأمین قطعات آن به واسطه تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران به راحتی امکان‌پذیر نبود. از سوی دیگر روابط اقتصادی ایران در دوران پیش از پیروزی انقلاب به‌طور گسترده‌ای با آمریکا جریان داشت و قطع رابطه بازاریهای صادرات و تأمین نیازهای وارداتی ایران را دچار تحولی شگرف کرده بود.

دولتمردان و سیاست‌گزاران جمهوری اسلامی با وجود حمایت‌های وسیع برخی کشورهای عضو اتحادیه اروپا از عراق، گسترش مناسبات سیاسی، اقتصادی و بازرگانی با اروپا را در اولویت قرار دادند. در این دوران ژاپن نیز در روابط اقتصادی با ایران نقش ویژه‌ای داشت.

تلاش سیاست خارجی ایران برای حفظ و گسترش مناسبات سیاسی - اقتصادی با اتحادیه اروپا، از فعالیت چشمگیر در سال‌های پس از پیروزی انقلاب

اسلامی و از موفقیت‌های سیاسی - اقتصادی ایران تلقی می‌شود. آنچه مسلم است، قطع رابطه سیاسی - اقتصادی با اروپا می‌توانست در شرایط جنگ تحمیلی برای ایران نتایج زیان‌بخشی در پی داشته باشد. زیرا با وجود روابط با اروپا حتی تأمین قطعات و تجهیزات موردنیاز سلاح‌ها و هواپیماهای جنگی ایران (که اغلب ساخت شرکت‌های آمریکایی بود)، به صورت خریدهای دست‌دوم یا سوم میسر می‌شد و قدرت دفاع ایران در برابر عراق را تقویت می‌نمود. از سوی دیگر مناسبات با اتحادیه اروپا، فروش و صادرات نفت برای تأمین نیازهای ارزی ایران را تضمین می‌کرد و بسیاری از کالاهای موردنیاز ایران از این بازار بزرگ قابل تأمین بود.

اتحادیه اروپا و ژاپن در دوران جنگ تحمیلی از شرکای اصلی ایران بودند و این در حالی بود که توسعه روابط سیاسی مودت‌آمیز با این کشورها سیاست محوری آمریکا برای در انزوا قرار دادن ایران را کم‌اثر می‌ساخت و تحریم اقتصادی بین‌المللی علیه ایران را فقط به تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران تبدیل کرد.

آمارهای تجارت خارجی ایران گواه بر آن است که ژاپن، آلمان و ایتالیا برای سال‌های متمادی در ردیف کشور عمده طرف تجاری ایران قرار داشتند.

در دوران پس از جنگ تحمیلی و بازسازی اقتصاد کشور نیز اتحادیه اروپا در روابط خارجی ایران نقش کلیدی و محوری داشته است. همکاری‌های اقتصادی برای اجرایی پروژه‌های عظیم صنعتی و انرژی در ایران با مشارکت شرکت‌های اروپایی نقطه عطفی در روابط ایران و اتحادیه اروپا محسوب می‌شود. مجتمع عظیم فسولاد مبارکه با مشارکت شرکت‌های ایتالیایی راه‌اندازی شد. توسعه میادین نفت و گاز برون‌ساحلی ایران (به‌ویژه در خلیج فارس و در حوزه‌های مشترک) با عقد قراردادهای بیع متقابل با شرکت‌های نفتی اروپایی میسر شد و همچنان نیز تداوم دارد. بخش خصوصی ایران در راه‌اندازی طرح‌های صنعتی از مشارکت شرکت‌های اروپایی بهره‌جستند. صنایع خودروسازی، پتروشیمی و... که امروز به بهره‌برداری رسیده و بخشی از نیازهای بازار داخلی و نیز صادرات غیرنفتی کشور را پوشش می‌دهد، در سایه مشارکت‌ها و همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی با اتحادیه اروپا تحقق یافته است و این مشارکت‌ها همچنان تداوم خواهد یافت.

در امر بازرگانی نیز اتحادیه اروپا سهم بسزایی در تجارت خارجی ایران دارد. بر اساس آمارهای منتشره از سوی گمرک جمهوری اسلامی ایران ۳۱/۳ درصد ارزش واردات ایران در سال ۱۳۷۹

از اتحادیه اروپا تأمین شده است و به عبارتی یک سوم نیازهای وارداتی ایران از این بلوک تجاری تأمین گردید.

واردات ایران در سال ۱۳۷۹ به ۲۵/۹ میلیون تن انواع کالا به ارزش ۱۴/۳ میلیارد دلار رسید که از نظر وزن ۲۰/۶ درصد و از نظر ارزش ۱۳/۱ درصد نسبت به سال ۱۳۷۸ افزایش یافت.

واردات ایران از اتحادیه اروپا با ۲۰/۱ درصد کاهش از نظر وزن و ۳/۴ درصد افزایش از حیث ارزش نسبت به سال ۱۳۷۸ به ۳/۱ میلیون تن انواع کالا به ارزش ۵/۳ میلیارد دلار بالغ شد.

با وجود آنکه تراز بازرگانی ایران با اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر همواره کسری داشته، اما روند مناسبات به سود دو طرف گسترش معقولی را سپری کرده است. کسری تراز بازرگانی غیرنفتی ایران با اتحادیه اروپا بر اساس آمارهای منتشره از سوی گمرک جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۹ به ۴/۴۸ میلیارد دلار رسید، در حالی که این کسری در سال ۱۳۷۸ به میزان ۴/۲۶ میلیارد دلار و در سال ۱۳۷۷ به ۵/۳۴ میلیارد دلار و در سال ۱۳۷۶ معادل ۵/۲ میلیارد دلار ثبت شده است.

صرف‌نظر از آنکه کشورهای عضو اتحادیه اروپا از بازارهای صادرات نفت ایران محسوب می‌شوند و بر اساس گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۷۸

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران معادل ۳۳/۶ درصد نفت خام صادراتی ایران راهی بازارهای اروپای غربی شده است، مناسبات اقتصادی دوطرف از اهمیت ویژه‌ای در سطح بین‌المللی برخوردار است.

شایان ذکر است که سهم اروپای غربی در صادرات نفت خام ایران از ۳۳/۱ درصد در سال ۱۳۷۳ به ۴۶/۷ درصد در سال ۱۳۷۴ و سپس به ۴۹/۵ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافت. در سال ۱۳۷۶ حدود ۵۱/۴ درصد نفت خام صادراتی ایران به این بازار راه یافت و این سهم در سال ۱۳۷۷ به ۴۹/۸ درصد تنزل یافت.

دولت آمریکا برای در انزوا قرار دادن ایران در سال‌های اخیر، اتهامات بی‌اساسی را به ایران نسبت داده است. تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی، حمایت از تروریسم بین‌المللی، مداخله در صلح خاورمیانه و... از اتهاماتی که آمریکا در رسانه‌های جمعی و مجامع بین‌المللی مطرح می‌سازد.

فشارهای آمریکا به روسیه برای قطع همکاری با ایران در تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر، با وجود آنکه دولت روسیه بارها اعلام کرده است که همکاری روسیه با ایران در چارچوب استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی است، بی‌اساس بودن این گونه اتهام‌ها را برای جامعه بین‌المللی تا حدودی روشن ساخته است. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران کنوانسیون

بین‌المللی منع گسترش سلاح‌های اتمی را امضا کرده، اما آمریکا و اسرائیل به این پیمان نیوسته‌اند.

بحث حمایت از تروریسم بین‌المللی با وجود مواضع روشن ایران در خصوص تعریف تروریسم و به‌ویژه تروریسم دولتی و نقش حساس ایران در قضیه سرکوب طالبان و گروه القاعده در افغانستان پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به شهرهای آمریکا برای جهانیان پوشیده نیست. اما آمریکا همچنان بر اتهام‌های بی‌اساس علیه ایران پافشاری دارد.

فشارهای آمریکا برای قطع روابط اتحادیه اروپا با ایران در دو دهه گذشته همواره در رسانه‌های جمعی در سطح جهان انعکاس داشته است. آمریکا بارها به صراحت از اتحادیه اروپا خواست که روابط سیاسی - اقتصادی با ایران را قطع نماید.

در سال‌های پس از خاتمه جنگ و در زمان بازسازی اقتصاد ایران که جمهوری اسلامی با انباشت بدهی‌های خارجی مواجه شد و به مذاکره با بستانکاران (به ویژه اتحادیه اروپا و ژاپن) برای زمان‌بندی مجدد تعهدات خارجی مبادرت ورزید، بارها مقام‌های آمریکایی خواستار آن بودند که بانک‌های اروپایی به عقد قراردادهای استمهال بدهی خارجی ایران تن ندهند تا جمهوری اسلامی در تنگنای اقتصادی تا مرز ورشکستگی پیش رود. اما اتحادیه

تجارت با اروپا

اروپا در سال‌های ۷۴-۱۳۷۳ در زمینه روابط بانکی همکاری وسیعی با ایران داشت و ضمن استمهال تعهدات عقب مانده، خطوط اعتباری تازه و پوشش‌های بیمه‌ای قابل توجهی را در اختیار ایران قرار داد.

فشارهای آمریکا برای محدودیت روابط اتحادیه اروپا با ایران همچنان ادامه دارد، اما وزرای خارجه اتحادیه در اجلاس اخیر خود در لوکزامبورگ با ادامه گفت‌وگوهای سیاسی - اقتصادی با ایران برای دستیابی به یک توافق، موافقت کردند. هر چند که پیش از این نشست، آمریکا از اعضای اتحادیه خواست که بحث حقوق بشر در ایران، حمایت از تروریسم بین‌المللی و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی را مدنظر قرار دهند.

با این حال طبق آخرین اطلاعات منتشر شده از سوی مرکز آمار اتحادیه اروپا (یورواستات) حجم مبادلات بازرگانی اتحادیه با ایران در سال ۲۰۰۱ میلادی بالغ بر ۱۳ میلیارد یورو اعلام شد. صادرات اتحادیه اروپا به ایران در سال ۲۰۰۱ نسبت به سال ۲۰۰۰ میلادی ۳۵ درصد یا ۱/۸ میلیارد یورو رشد و واردات اتحادیه اروپا از ایران به لحاظ افت قیمت نفت ۱/۹ میلیارد یورو کاهش داشت.

ارزش صادرات نفت خام ایران به اتحادیه اروپا از ۷/۲۳ میلیارد یورو در سال ۲۰۰۰ به ۵/۴۴ میلیارد یورو در سال ۲۰۰۱ رسید. کسری

تراز تجاری ایران با اتحادیه اروپا بر اساس آمارهای یورواستات به ۴۷۷ میلیون یورو بالغ شده است.

انگلیس که در سیاست خارجی بیش از سایر اعضای اتحادیه اروپا به سیاست خارجی آمریکا نزدیک است. بیشترین میزان رشد صادرات به ایران در سال ۲۰۰۱ نسبت به سال ۲۰۰۰ را در میان اعضای اتحادیه داشت. رشد صادرات انگلیس به ایران در این مدت به ۱۴۴ درصد رسید که علت عمده آن را فروش ۴۸۱ میلیون یورو «طلا» از سوی این کشور به ایران در ماه‌های نوامبر و دسامبر ۲۰۰۱ ذکر کرده‌اند. در صورتی که فروش طلا در صادرات انگلیس به ایران نادیده گرفته شود، متوسط افزایش صادرات این کشور به جمهوری اسلامی همانند سال ۲۰۰۰ بود.

بر اساس اطلاعات منتشره از سوی «یورواستات» ارزش صادرات انگلیس به ایران در سال گذشته میلادی به یک میلیارد و ۱۶۶ میلیون یورو رسید. در حالی که در سال ۲۰۰۰ این رقم ۴۷۸ میلیون یورو بود. انگلیس پس از ایتالیا، آلمان و فرانسه، چهارمین صادرکننده عمده کالا به ایران در بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا بود.

ایتالیا در سال گذشته میلادی بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران در بین اعضای اتحادیه اروپا از نظر حجم مبادلات تجاری دوجانبه بود و صادرات آن به ایران با ۳۹ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۰۰ به

حدود ۱/۱۷ میلیارد یورو بالغ شد. واردات ایتالیا از ایران در سال ۲۰۰۱ همانند سال ۲۰۰۰ در سطح ۲/۴ میلیارد یورو باقی ماند که ۳۴۴ میلیون یورو آن را اقلام غیرنفتی تشکیل داده است.

آلمان نیز بزرگ‌ترین صادرکننده کالا به ایران در بین اعضای اتحادیه بود، به گونه‌ای که ارزش صادرات آلمان به ایران در سال گذشته میلادی با ۲۳ درصد افزایش نسبت به سال قبل از آن، به ۱/۹۲ میلیارد یورو رسید. صادرات ایران به آلمان در این مدت با ۱۴۸ میلیون یورو کاهش به ۳۹۴ میلیون یورو بالغ شد.

برپایه این آمارها، صادرات فراتر به ایران با ۵۲ درصد رشد به ۱/۲ میلیارد یورو بالغ شد. در همین حال واردات کشورهای ایرلند، دانمارک، سوئد و فنلاند از ایران رو به افزایش نهاد. واردات سوئد از ایران با ۳۳ درصد افزایش از ۶۶۱ میلیون یورو در سال ۲۰۰۰ به ۸۸۴ میلیون یورو در سال گذشته رسید که به طور عمده از افزایش صادرات نفت خام ناشی شد.

آخرین آمارهای منتشره از سوی منابع رسمی ایران (گمرک جمهوری اسلامی ایران نیز نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۹ آلمان، ایتالیا، فرانسه، انگلیس و بلژیک، پنج کشور عمده صادرکننده کالا به ایران در بین اعضای اتحادیه اروپا بودند)، ارزش صادرات آلمان به ایران به ۱/۵ میلیارد دلار، ایتالیا به ۶۵۸ میلیون دلار، فرانسه به ۶۱۷/۴ میلیون دلار،

انگلیس به ۵۰۹/۵ میلیون دلار و بلژیک به ۴۲۷/۲ میلیون دلار رسید.

صادرات غیرنفتی ایران به این کشورها نیز در سال ۱۳۷۹ به ترتیب به ۳۵۴/۲ میلیون دلار به آلمان، ۱۹۱/۴ میلیون دلار به

ایتالیا، ۴۴/۸

میلیون دلار به فرانسه، ۳۷/۱

میلیون دلار به انگلیس و ۴۴/۵

میلیون دلار به بلژیک بود. تراز

تجارت غیرنفتی ایران با این

کشورها بین ۳۸۱/۷

دلار (با بلژیک) تا ۱/۱۴ میلیارد دلار با آلمان کسری داشت.

اطلاعات منتشر شده از سوی «یورواستات» نشان می‌دهد که تمامی

کشورهای اتحادیه اروپا که در سال ۲۰۰۰ با کسری موازنه تجاری با

ایران مواجه بودند، به غیر از ایتالیا توانسته‌اند در سال ۲۰۰۱ موازنه

تجاری خود را با ایران مثبت نمایند. آمارهای ارایه شده از سوی منابع

ایرانی و اروپایی گواه بر مناسبات اقتصادی و بازرگانی گسترده اتحادیه

اروپا با ایران است. اتحادیه اروپا برای تأمین نفت خام موردنیاز و نیز

فروش محصولات صنعتی و سرمایه‌ای به بازار بزرگ ایران توجه

دارد.

شاید به جرأت بتوان گفت که ایران یکی از بازارهای عمده برای

اتحادیه اروپا در منطقه خلیج فارس و حتی خاورمیانه است.

اتحادیه اروپا به تدریج به سوی سیاستی مستقل از آمریکا در

شد که جهان به سوی یک قطبی شدن به رهبری آمریکا پیش رود و

این با خواست اتحادیه اروپا نسناقض دارد. بنابراین انتظار

نمی‌رود که این اتحادیه تعیین سیاست راهبردی بلندمدت خود

را به دست

دولتمردان آمریکایی بسپارد و تعیین

سرنوشت این منطقه سوق الجیشی جهان

را به قدرت بلامنازع آمریکا تقدیم کند.

با وجود حجم مبادلات تجاری

گسترده اروپا با آمریکا و نزدیکی

دردوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، با وجود تحریم اقتصادی آمریکا، دولتمردان و سیاست‌گزاران جمهوری اسلامی با وجود حمایت گسترده برخی کشورهای عضو اتحادیه اروپا از عراق، گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی با اروپا را در اولویت قرار دادند. در این دوران، ژاپن نیز در مناسبات اقتصادی ایران نقش ویژه‌ای داشت.

روابط خارجی به ویژه با کشورهای حوزه خلیج فارس پیش می‌رود.

با توجه به وجود انباشت بخش اعظم ذخایر نفتی جهان در

خاورمیانه، به ویژه حوزه خلیج فارس و نیز دریای خزر و

محدودیت منابع نفتی در اروپا، اهمیت راهبردی روابط اقتصادی

مناسب و روبه‌گسترش با کشورهای حاشیه خلیج فارس و

به ویژه ایران که دروازه‌ای به سوی آسیای میانه و ماوراء قفقاز

است، برای اتحادیه اروپا کاملاً روشن است. تسلط کامل آمریکا

بر منطقه خاورمیانه و به ویژه حوزه خلیج فارس، سبب خواهد

سیاست‌های خارجی، برای اروپا این یک اشتباه تاریخی خواهد بود

که استقلال در مناسبات اقتصادی - سیاسی با کشورهای حاشیه

خلیج فارس را از دست بدهد. در این میان جمهوری اسلامی ایران

نیز می‌بایست سیاست خارجی فعالی را با اتحادیه اروپا دنبال

کند و توسعه مناسبات و همکاری‌های اقتصادی به ویژه در

زمینه‌های مزیت‌دار را در دستور کار خود قرار دهد.

